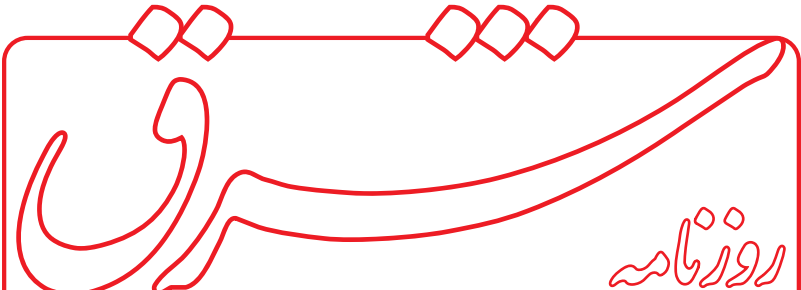




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشیبا، پلاک ۶
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۰ و ۸۸۸۰۰۷۱۹ شماره: ۸۸۸۰۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۲۳۰
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharghdaily.ir

تهران : آذان ظهر ۱۱:۵۷ آذان مغرب ۱۸:۱۹ آذان صبح فردا ۴:۲۹ طلوع آفتاب ۵:۵۳



یکشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۲ ۱۶ ذی‌القعدة ۱۴۳۴ ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۳ سال یازدهم شماره ۱۸۳۸ ۱۲ صفحه + ۱۶ صفحه ضمیمه

رونمایی از «نام من اسماعیل» در روز جهانی صلح

شرق: موزه صلح تهران به مناسبت روز جهانی صلح ویدئو اینستالیشن «نام من اسماعیل» کاری از «نازنین ایگانی» را به نمایش در خواهد آورد، در متنی که ایگانی به مناسبت این رونمایی نوشته است آمده: «تاریخ آدمیت در حافظه آدمی است. پس تعریف ندارد، تحریف ندارد. آنکه در ذهن من به نام می‌نشینند، در حافظه تو دیگری می‌شود...» از علاقه‌مندان به دیدن این ویدئو اینستالیشن دعوت می‌شود از اول تا هشتم مهرماه ۱۳۹۲ از ساعت ۱۹ تا ۹ به تهران، ضلع شمالی پارک‌شهر، موزه صلح تهران مراجعه کنند.

از هر نظری ضرر

قارچ اقتصاد خارج و بانک قارچی ما



پوریای عالمی

● استاد اقتصادی در آمریکا در گفت‌وگوی تفصیلی با «فارس» گفت: رشد قارچ‌گونه بانک‌ها متوقف شود این حرف خیلی عجیب است. این اساتید از آمریکا پا می‌شوند می‌آیند ایران و فکر می‌کنند چه خبر است. چه خیال می‌کنند؟ یک کروت می‌بینند دیگر، فرق‌شان با دلارن داخلی همین است، آنها کروت می‌بینند، اینجا با هم می‌بینند. مهم بستن است دیگر. خلاصه این اساتید خارجی فکر می‌کنند با خواندن چندتا نظریه به یک جزوه می‌توانند برای ما نسخه بنویسند، مثلاً همین استاد اقتصاد دانشگاه آمریکا، برگشته می‌گوید رشد قارچ‌گونه بانک‌ها متوقف شود. آخر این حرف است؟ عزیز من، هشت سال است ما سرمایه‌گذاریم روی پرورش قارچ، یعنی برنج و چای و گندم و چی و چی را تبدیل به کود کردیم که کودش را بریزیم پای قارچ‌ها.

نویل کود و اقتصاد

بعد هم جای اینکه از دلاوران و دانشمندان جوان ما که توانسته‌اند بانک را قارچی کنند یا قارچ را بانکی کنند، تقدیر کنید و جایزه نیویل کود و اقتصاد بدهید، تکه می‌اندازید؟

مزیت قاقی

بعد هم بانک ما قارچی باشد بهتر از این است که مثل اقتصاد خارج قاق بخورد. پس چی؟ در ضمن این استاد اقتصاد دانشگاه آمریکا باند که ما چنان در تولید و پرورش بانک قارچی به خودکفایی رسیدیم که سوئیس با این همه آهن و تلوپ و ادعا در مسایل بانکی نتوانسته به گرد ما هم برسد. البته صحبت‌هایی هم شده که ما مازاد تولید بانک‌مان را به کشورهای دیگر صادر کنیم. بعد هم سوئیس برود جلو بوق بزند در مسایل بانکی. این همه بانک زدید چی شد؟ اینجا یکی بانک زد رفت بغل بلین دبون، همسایشون شد. در ضمن یک فرق سیستم بانکی ما و خارجی‌ها این است که آنجا رییس بانک نمی‌گذارد پول بالا و پایین شود، اینجا خاوری مدیرعامل بانک ملی این قدر بالا و پایین کرد بالا و پایین اقتصاد جلیه‌جا شد.

بوی ماه مهر

پاییز می‌رود، دانش آموزان می‌مانند



محمد صالح‌علا

مدادها و کاغذها...

مدرسه و مهر است که بچه‌های ما را شبیه هم می‌کند. که شباهت ابتدای همدلی است و مدرسه مهندسی رستگار زیستن است. خود دانش هستی‌بخش است. برای هر دانش‌آموزی حساب پس‌اندازی درازمدت با سودی باورنکردنی از جزییات خوشبختی است. با این وجود خوشا به حال دانش، که از فردا فرزندان نجیب و نازنین این سرزمین، در پی آن هستند که زندگی می‌رود، مهر می‌رود، پاییز می‌رود، تنها دانش‌آموزان می‌مانند و ابعاد و عوارض آن، که رستگاری بی‌زبان است. برای همین مهر، ماه رازناکی است و مدرسه تردبانی که بچه‌های ما را به آسمان می‌رساند. بچه‌ها در مدرسه است که می‌فهمند در دنیا چیزی گران‌بهار از خودشان نیست. پس «تاپ‌تاپ خمیر، شیشه پر پنیر، دست‌کی بالاست؟» دست کسانی که به مدرسه می‌روند.

من مدرسه نمی‌روم ولی روز اول مهر، روحم بی‌قرار است. البته خاطرات روز اول مهر برای هرکسی یک جوری است. برای برخی مثل میدان آزادی است. برای بعضی میدان ونک است. برای من «درینده» شمیران است. خاطرات روز اول مهر، چنان رازآلوده و اثری است که گاهی نمی‌توان آن را از جادو تفکیک کرد. پس خوشبحال دانش‌آموزان، آموزگاران، پدرمادرها و همه آنها که اول و آخر مهرند...

رویداد

موسس انتشارات «عطایی» در گذشت

۳۰ شهریور بر اثر کھولت سن دار فانی را وداع گفت. زنده‌یاد احمد عطایی در سال ۱۲۹۸ در یکی از محلات جنوبی تهران در حوالی میدان مولوی به دنیا آمد. او قبل از انقلاب عضو هیات‌مدیره اتحادیه ناشران تهران بوده است.

مهر: «احمد عطایی» که در سال ۱۳۱۵ موسسه انتشارات عطایی را تأسیس کرده بود، صبح امروز در ۹۴ سالگی در گذشت. این خبر را بهروز عطایی فرزند زنده‌یاد عطایی و مدیر این موسسه انتشاراتی اعلام کرد و گفت: آقای عطایی ۶۳۰ صبح شنبه

بازتاب

بازتاب همزیستی مسالمت‌آمیز با ادبیات

ریبوار سیوایی

● دوستان نویسنده و روزنامه‌نگارم در روزنامه «شرق»

سلام؛ خواندن مطالب روزنامه شما در وب‌ژنانه مربوط به «شیرکوبی کس» مرا آسوده‌خاطر کرد، این کاری که شما و همکاران کردتان انجام دادید، پاسخی بود که سوالات فراوانی که دوست داشتم از زبان نسل جوان روزنامه‌نگاران و نویسندگان ایرانی و در نشریه‌ای رسمی در آن کشور بشنوم، پاسخی که نه تنها اشارای گویا به همزیستی مسالمت‌آمیز و فهم متقابل و احترام به وجود یکدیگر، بلکه پاسخی بود به اهتمام قابل‌شدن شما به مرگ و آثار شیرکو و پاسخ به دشمنانی که بر پایه فتنه میان ملل زندگی می‌کنند و روزگار می‌گذرانند. اهمیت قابل‌شدن شما به فوت و آثار شیرکو بی‌کس نزد من فقط دارای ابعاد ادبی و زیبایی‌شناختی نیست، بلکه دارای بعد فلسفی عمیق نیز هست که به گفته «ژاک دریدا»، در جایگاه گشودن دری است به سوی میهمان تا مکانی را که تاکنون ملک و دارایی خویش شمرده‌ایم با دیگران تقسیم کنیم و هویت و جوهر این تفکر این است که مالکیت خصوصی از مکان بازستانده شود و تبدیل به مکان عمومی شود. این همان تفکری است که همزیستی معاصر و مدرن و فلسفه‌های گذشت و دیگری را محترم شمردن، آن را توصیه می‌کنند و مفهوم میزبان و میهمان، معنی کهنه خود را از دست می‌دهند، اقدام شما، توقفی زیبا بود در آستانه درگاه منزلتان یا لیخندی به لب تا به ما بگوید: شما نیز بفرمایید وارد اینجا بشوید که متعلق به همگان است. شما از طریق این وب‌ژنانه و روزنامه و زبان گویاتان، زمینه همزیستی مسالمت‌آمیز و سرشار از دوستی ادبیات اکثریت و اقلیت، یا بالادست و زیردست را فراهم ساختید بدون اینکه احساس اقلیت و اکثریت بودن، این زیردستی و بالادستی را به ذهن‌ها متبادر کنید و این مساله احساس شود دست مرزها، نه تنها برای آشتی دادن ادب کرد و ایرانی‌های دیگر، بلکه برای اهمیت قابل‌شدن به پروژه سترگ انسان‌دوستانه که «شیرکو» در قلمرو گسترده بشریت، تمام عمر خود را صرف آن کرد.

● استاد دانشگاه‌های سلیمانیه و اربیل



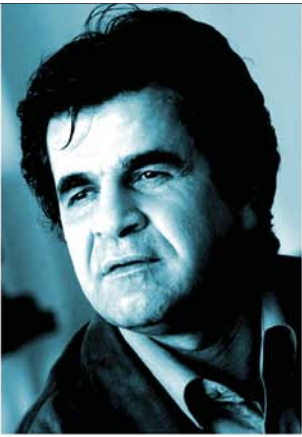
بعضی فیلم‌ها را باید دید ولی فیلم کلاس هنرپیشگی را اگر نینیم تجربه‌ای منحصربه‌فرد را از دست داده ایم. کلاس هنرپیشه کی آخرین فیلم علیرضا داودنژاد تصویر زندگی خصوصی همه ماست با عشق‌ها، رفاقت‌ها، دلخوری‌ها و رنج‌ها و شادی‌هایمان، که با ملاحظه کاری‌ها، حتی از یازگویی آن برای خودمان هم پرهیز می‌کنیم و داودنژاد با شهامتی مثال زنی آنچنان واقعیت و حقیقت و خیال را در رابطه مادر و برادر و خواهر و فرزندان و خوشانش بهم پیوند زده که گویی خودآنها هم زندگی را آنچنان که علیرضاهم زده تجربه می‌کنند. بعضی فیلم‌ها را باید دید ولی کلاس هنرپیشه کی را نمی‌شود ندید. وقتی به تماشا ای این فیلم می‌نشینیم در آخرین سکانس، دختر جوان روبه ما حرف‌هایی خواهد گفت که شک ندارم هرگز از یاد نخواهیم برد کلاس هنرپیشه کی و علیرضا داودنژاد را...

رخشان بنی‌اعتماد

تهیه کننده : علیرضا داود نژاد و رضا داود نژاد

مدیر فیلمبرداری : عباس رحیمی / فیلمبردار : سجاد سیهرک شکیب تدوین : علیرضا داود نژاد / کیومرث پور احمد طراحی و ترکیب صدا : سید علی رضا علویان صدا بردار : علی گراکویی / موسیقی : بهمن سیهرک شکیب مدیر تولید : صفر علی غرابی تهرانی / عکاس : غزل بدیعی

پخش : نسیم صبا



تجربه ایی جسورانه و فیلمی تاثیر گذار از سینمای امروز ایران
جعفر پناهی



به خودم می‌بالم که سهمی دارم در فیلمی شریف، مستند، داستانی، ایسورد، خانوادگی، فابیلی، سینمای ارزان، سهل و ممتنع، نزدیک به شاهکار،

ضد سینما، هجو سینما، سینمای ناب و ... این‌ها همه صفت‌هایی هستند که می‌توان به آخرین ساخته علیرضا داود نژاد یعنی «کلاس هنرپیشگی» اطلاق کرد!

کیومرث پور احمد

احمد طالبی نژاد

